

برده آخر

آژانس... مدل ۱۹۷



جواد طوسی

● جالب است! فیلم جنجالی سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر که قرار بوده یک اثر «ارزشی» باشد، فاقد منطق موضوعی و دراماتیک اولیه است. به این تم محوری می‌توان عناوین دیگری چون «غیرت ملی»، «عدالت‌خواهی»، «سازش‌ناپذیری» و... را نیز اضافه کرد. اما مگر نباید همه این شعارپردازی‌ها، صفا‌آرایی‌ها و جناح‌بندی‌های جورواجور از یک نقطه عزیمت مرکزی باورپذیر در خط روایی‌اش برخوردار باشد؟ متأسفانه «دیدن این فیلم جرم است» به عنوان اولین فیلم بلند فیلم‌ساز جوان رضا زهتابچیان، پاسخی برای این سؤال اساسی ندارد.

مردی با به سن گذاشته در پشت چراغ قرمز یک خیابان در حالی که از پخش اتومبیلش تصنیف قدیمی «تو ای پری کجایی» با صدای قوامی شنیده می‌شود، شیشه را پایین می‌کشد و به یک زن محجبه که پشت فرمان اتومبیلی در امتدادش نشسته، توهین می‌کند و بعد نیز به شکل بیمارگونه‌ای او را تعقیب می‌کند و نهایتاً خودش را به این زن که در این فاصله با همسرش تماس گرفته و از او کمک خواسته، می‌رساند و از اتومبیل پیاده می‌شود و به شدت سوزه موردنظرش را مورد ضرب‌وشتم قرار می‌دهد و در ادامه مسیرش دستگیر می‌شود. بعد متوجه می‌شویم که این مرد هتاک با چنین رفتار جنون‌آمیزی خیلی خراب می‌رود و همه نیروهای رده‌بالا تلاش می‌کنند تا او را به سلامت از این مقر خارج کنند و به مقصدش برسانند. خب، واقعا این آدم عوضی با آن تصویر اولیه پشت چراغ قرمز و اعمال و رفتار بعدی که می‌تواند این‌طور شلنگ‌تخته در سطح شهر تهران بیندازد و کسی با او برخورد نکند و بعد هم این‌قدر مورد حمایت قرار بگیرد، کیست و به کجا بند است؟مگر نباید چنین شخص غلط‌اندازی که مسبب اصلی این غائله و بگیربوندهای بعدی است، به درستی به تماشاجی بینوا معرفی شود؟ هر چقدر هم بگوییم این آدم در بافت کلی فیلم‌نامه واسطه‌ای است برای آسیب‌شناسی یک نظام و جناح‌بندی‌های سیاسی‌اجتماعی‌اش، باز اقتضا می‌کند که در وهله اول بستری متقاعدکننده در خط قصه و روایت و شخصیت‌پردازی آدم‌ها فراهم شود. کافی است تا نمونه‌های مشابه در سینمای ایران و جهان مانند «گوزن‌ها» و فصل پایانی‌اش، «بعدهازظهر سسکی» سیدنی لومت و «آژانس شیشه‌ای» ابراهیم حاتمی‌کیا را در ذهنمان مرور کنیم. این اشکال را در پایان‌بندی فیلم هم می‌توان مشاهده کرد. فرمانده در یک مواجهه نهایی در شرایطی که مرد درس‌ساز برای خداحافظی نزدش آمده تا به او دست بدهد، دستش را می‌فشارد و می‌فشارد و رها نمی‌کند و «مرد همچنین مرموز» هم با تکرار «سردار، سردار» واکنش نشان می‌دهد و در به روی ما بسته می‌شود. اینجا هم می‌بینیم که جلوتر از یک بستر واقعی در متن قصه، نمدی‌پردازی و فعالیت تأویل‌گونه به بیننده تحمیل می‌شود.

از موسیقی پرحجم و اعصاب‌خردکن فیلم که جاهایی به مجید انتظامی ادای دین می‌کند نیز، چه بگوییم؟ خلاصه کلام آقارضای زهتابچیان عزیز خسته نباشی، ولی خداوکلیی این راه و رسم ساختن فیلم افشارگرانه، متعهدانه و معترضانه نیست.



فرادک آرتا

سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر مانند سالاد فصلی است که تا این روزهای جشنواره همه‌نوع فیلمی در آن می‌توان دید، بدون اینکه ارزش‌های هنری همسانی داشته باشند؛ مجموعه‌ای از فیلم بد، خوب و زشت. بدون شک اعتبار هر جشنواره‌ای، عیار فیلم‌های آن است. اصولا هر جشنواره هنری‌ای، عصاره فرهیختگی هر کشوری است که متولیان‌ش باید پاسدار آن باشند. اگر در افتتاحیه همین جشنواره بانوی هنرمندی مانند فاطمه معتمدآریا از روی دلسوزی نکته‌ای و تحلیلی را بیان می‌کند و از او تجلیل می‌شود، این جشنواره است که وزن‌ش سنگین می‌شود و اگر رسانه‌ای به‌جای نقد حرف‌های او، هویت و آفرینش او را مورد هدف می‌گیرد تا به خیال خودش عیار این هنرمند را کم کند! زهی خیال باطل! وگرنه به‌کاربردن لفظ «پیرزن» نه‌تنها بد نیست، بلکه آرزوی هر کسی است که به پیری برسد؛ چه پیرزن و چه پیرمرد. پیری در نکته‌سنجی است و درک جهان هستی و مملو از صلح و آرامش، اما بدا به حال کسانی که به لحاظ تقویمی در مرحله احتضار هستند، اما در معرفت همچنان در دوران نوزادی به‌سر می‌برند. بگذریم! یکی از فیلم‌های درخور توجه این دوره، فیلم «شی» که ماه کامل شد، به کارگردانی ترکس آبیار است. فیلم یکی از مهم‌ترین مسالن روز کشور ما و منطقه خاورمیانه را نشانه رفته بود؛ گروهک تروریستی

کروه هنر: «دیدن این فیلم جرم است!» نخستین تجربه کارگردانی رضا زهتابچیان از جمله فیلم‌های بخش نگاه نو سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر است؛ تجربه‌ای که در طول جشنواره فیلم فجر درباره آن زیاد صحبت خواهد شد و شاید به نوعی بتوان آن را از جمله فیلم‌های بحث‌برانگیز جشنواره سی و هفتم توصیف کرد. چرایی ساخت این فیلم از زبان کارگردان، محور گفت‌وگویی است که در ادامه می‌خوانید:

❧ در نخستین ساخته سینمایی کمی جسورانه عمل کردید و شخصیت‌هایی که نشان دادید، ویژگی‌هایی دارند که خیلی نشان‌دادن آنها در فیلم‌های سینمایی متداول نبوده است. اسات نگاه شما به چه صورت است؟

طرح فیلم‌نامه این فیلم به سال ۸۴-۸۵ بازمی‌گردد و روایت این قصه کاملا مستقل از دولت‌های مستقر بوده است. آن زمان بسیاری از بخش‌های فیلم‌نامه صرفا یک تخیل بود. من تلاش کردم کار را در حد یک فیلم ضددولت پایین نیاورم، چراکه فیلم ضددولت قطعاً تاریخ انقضای خاصی دارد و به نظرم ساختش اشتباه است. زمان نگارش این فیلم‌نامه، اتفاقا دولت وقت به‌شدت محبوب بود. زمانی بود که کتاب «جهت‌گیری طبقاتی در اسلام» شریعتی را می‌خواندم و به‌شدت تحت تأثیر سخنرانی‌های پرسوزوگدازش بودم و می‌دانید شریعتی هم اساسا معترض‌پروور است. وقتی به قصه فیلم فکر می‌کردم، باید آن را به گونه‌ای می‌نوشتم که قهرمانش تنهاست و با یک‌سری آدم‌های نظاممند که بعد از مدتی عملکرد خودشان به ضد تفکر خودشان تبدیل شده است، مواجه می‌شد.

❧ آن زمان فیلم‌نامه فقط نوشته شد یا مراحل پروانه ساخت را هم پشت سر گذاشت؟

هنر

نگاهی به سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر

خوب، بد، زشت



فنی که ماه کامل شد

عبدالمالک ریگی. تصویر زندگی واقعی مردی که از عشق به ایدئولوژی می‌رسد. شست‌وشوی مغزی در روایت فیلم‌ساز با جزئیات به شکل متهورانه‌ای به نمایش درآمد. یکی از سکانس‌های کلیدی فیلم، گشتارگاه بود که تنه‌های سلاخی‌شده گاو و گوسفند به‌سیخ‌کشیده با خون و بوی مهوع عجین شده بودند. فضا‌سازی این صحنه درواقع کانسیبت فیلم را به‌یک‌باره به نمایش گذاشت. جایی که فقط مردان اشتغال دارند و در غیاب زنان، زندگی را در منحوط‌ترین شکلش سیری می‌کنند. فیلم داستان زندگی مردم شریف اما محروم بلوچستان است که در شرقی‌ترین بخش کشور ناچارند دم فروبندند، درحالی‌که مملو از فرهنگ و زیبایی هستند. جالب است که فیلم‌ساز عمادانه جنگ را به بیرون کشور- پاکستان- برد. دلش نمی‌خواست حتی در قاب تصویر در زمین ایران خون و خون‌ریزی شکل بگیرد. تصاویر ویرانگر کشت‌وکشتار و سبعت

گفت‌وگو با رضا زهتابچیان، کارگردان فیلم سینمایی «دیدن این فیلم جرم است!»

فیلم ضددولت قطعاً تاریخ انقضای خاصی دارد



فیلم‌نامه آن‌قدر تندوتیز و صریح بود که تا مرحله پروانه ساخت نرسید! سال ۹۵ اقدام رسمی کردیم. ولی پروانه ساخت نگرفت. سال ۹۷ هم با اماوگرها و پیچ‌وخم‌های زیادی، پروانه ساخت مشروط دادند. ❧ بد نیست درباره قهرمان قصه شما صحبت کنیم؛ شاید آن‌قدر که قصه ایجاب می‌کند، در لحظاتی باید آدم جسورتری از آنچه می‌بینیم باشد و درواقع به این شکل نیست.

دو دلیل دارد؛ اول اینکه او گروهان‌های مهمی دارد و خودش می‌داند که به‌راحتی نمی‌توانند به او حمله کنند و دلیل دوم اینکه او واقعا چیزی که شما در این موقعیت می‌بینید، نیست، درواقع اصلا جنگجو نیست. در لحظاتی از فیلم به پیشینه او اشاره می‌شود که معلم تاریخ است و فقط یک فتنه است که فرماندهی پایگاه را دست گرفته است. او دو بار سابقه بازداشت داشته

است؛ یکی در دفاع از کارتن‌خواب‌ها در مقابل مجلس و دومی درگیری با نیروی انتظامی مقابل قوه قضائیه

به دلیل مطالبه برخورد قاطع با آقا‌زاده‌ها. با همه اینها تیغ‌کش نیست، برابیم مهم بود همه حرف‌هایی که از زبان او جاری می‌شود، مطالبه عمومی باشد، در

جایی از فیلم می‌بینید که مأموران اداره ویژه امنیت از واژه «مردم» برای گفت‌وگو با او استفاده می‌کنند، چون متوجه حساسیت‌های او هستند. باز هم تاکید می‌کنم که «امیر» جنگجو نیست، صلح‌طلب است. او یک «انقلابی» نیست، بلکه یک «مسلمان انقلابی» است.

❧ دیالوگ‌های حمله به سفارت قطعاً در بازنویسی‌ها اضافه شده است.

بله. همان‌طور که گفتم، به‌روزرسانی‌هایی شد. یکی از شخصیت‌های این فیلم به اصطلاح آدم کله‌شقی است که پیش از این، محافل سیاسی رقیب را به هم می‌ریخت و در بازنویسی، حمله به سفارت جایگزینش شد. طبعاً در این حد، دیالوگ‌ها متناسب با شرایط روز تغییر کرد.

❧ اسم پایگاه شهید موسوی است. انتخاب اسم دلیل خاصی داشت؟

نه اصلا! این اسم از همان سال ۸۵ که داستان را نوشتم، در ذهنم بود. به نظرم در این فیلم آن‌قدر صریح صحبت می‌کنیم که اصلا نیازی به این نمادپردازی‌ها نیست.

❧ قطعاً یکی از حواشی فیلم این است که بسیاری از نهادها علیه فیلم واکنش نشان خواهند داد. برای این موضوع آماده هستید؟



فنی که ماه کامل شد

رصد می‌کنند! چون وقتی که نام «وطن» و تمامیت ارضی مطرح می‌شود، همه ما در قاب قضاوت قرار می‌گیریم. جالب است که هیچ‌کدام از مأموران زن برگشته از اردوگاه اشرف را نمی‌کشند. نمی‌دانم چرا چنین نگاهی من را وصل کرد. به فیلم «آشغال‌های دوست‌داشتنی»! آنجا هم چنین نگاهی وجود دارد ... فیلم‌سازان همچنان به صلح فکر می‌کنند و چه چیزی بهتر از این کلمه! هر دو فیلم «شبی که ماه کامل شد» و «رد خون» مجموعه‌های علیه کشورمان را به وضوح به نمایش گذاشتند؛ یکی از آن‌سوی شرق و دیگری از آن‌سوی غرب! حالا در این وانفسا به تنها کسی که تاخته می‌شود، هنرمند زنی در درون کشور است که از قضا بازی او در فیلم «گیلانه» در نقش مادر شهید، هوش از سر ملتی برد! حالا شما قضاوت کنید که آیا سینمای ایران رسالت خود را به درستی به انجام رسانده یا دیگران؟

طبعاً نمایش این فیلم واکنش‌هایی خواهد داشت و امیدوارم با نگاه جامع‌تری به آن بنگرند. البته این را اضافه کنم که هیچ وقت قصد ساخت این فیلم را به عنوان تجربه نخست نداشتم. نوع نگاه من این نیست که بخواهم صرفا حرف جنجالی بزنم، ولی به هر صورت با توجه به شرایط روزگار ما، در نهایت فیلم‌نامه این فیلم تصویب و ساخته شد و از این‌اتفاق هم ناراضی نیستیم. گرچه ترجیح و ذائقه باطنی‌ام، سینمای

مجید مجیدی بوده و هست. ❧ به این دلیل که حمایت می‌شدید این فیلم را ساختید؟

به هیچ وجه چنین چیزی نیست. اگر چنین روحیه‌ای داشتیم، تا به‌حال فیلم‌های بیشتری ساخته بودم. به

نظرم هر چیزی قیمتی دارد. نشانه‌هایی از روحيات من در فیلم وجود دارد. اقدام به حق‌طلبی نکته‌ای است که همواره به آن فکر می‌کنم. اما بخش دیگری از روحیه من، علاقه‌مند ساخت فیلم‌های کاملاً لطیف و شاعرانه است که به امید خدا در آینده به سراغش خواهم رفت.

❧ حضور مهدی زمین‌پرداز به عنوان شخصیت اصلی فیلم انتخاب شد، با توجه به سابقه بازی او در آثاری این چنینی، این انتخاب صورت گرفت؟

نه واقعیت این است که «مهدی»، را خدا به ما داد. این فیلم از طرف بازیگران بایکوت شده بود و در روزهای پایانی پیش‌تولید مهدی پیدا شد.

❧ چرا؟

خب، بعضی از آنها از اینکه در این فیلم حضور داشته باشند، می‌ترسیدند. به نظر آنها فیلم بیش از اندازه سیاسی بود. برخی از آنها به‌شدت به فیلم‌نامه علاقه‌مند بودند، اما ریسک این کار برایشان بالا بود. خوشحالم که نقش محوری کار را مهدی زمین‌پرداز ایفا کرد. قطعاً اگر بار دیگر بخواهم فیلم را بسازم، حتماً بازهم او نقش اول فیلم خواهد بود. اصولاً به

این موضوع قائل نیستم که فیلم باید به ستاره‌ها برای دیده‌شدن متکی باشد. این ذهنیت با روحيات من هماهنگ نیست، البته ممکن است در آینده با بازیگرانی همکاری کنم که چهره‌های مطرحی در سینما هستند، اما بیش از هر چیز فیلم‌نامه برابم

اولویت است و هرگز به هر قیمتی از حضور بازیگران برای دیده‌شدن فیلم استفاده نخواهم کرد. خوشحالم که بازیگران خوبی در این فیلم کنارم بودند؛ بازیگران خوب و خیلی خوبی که امیدوارم همکاری با آنها ادامه داشته باشد و البته عوامل پشت دوربین که بسیار دقیق و هوشمندانه کارشان را انجام دادند؛ از همه آنها سپاسگزارم.

احمد طالبی نژاد:

موجودیت بنیاد سینمایی فارابی حمایت از سینماست



و سعی دارند استقلال خودشان را به رخ بکشند و پز روشنفکرانه بدهند.

ادامه از صفحه ۵

حمایت از ورود نیروهای مسلح به اقتصاد

به زودی تفاهم‌نامه را شرکت بازآفرینی شهری با بانک مسکن مبادله می‌کند. تخصیص لازم داده شده است. پشتیبانی مالی برقرار می‌شود. درخصوص زمین که کسی جایی به‌عنوان دولت، زمین در اختیار داشته باشد و این قانون و دستور آقاي رئیس‌جمهور را اجرا نکرده باشد، اطلاع ندارم. درحال حاضر، ۲۰۰ هکتار اراضی دولتی که مربوط به وزارت راه و شهرسازی یا شهرداری‌ها بوده در ۲۷۰ محله برای این کار تخصیص داده شده است. هنوز کسی به من گزارش نداده که در کدام محله، کدام ارگان زمین دارد و نداده است. این موضوع مهم است. این نکته برای من حائز اهمیت است، اما شرکت بازآفرینی وزارت راه و شهرسازی نباید طرح مسئله کند، بلکه باید مسئله را حل کند. بازآفرینی شهری باید اتفاق بیفتد و زمین دولتی باید برای این کار تخصیص یابد. هم قانون صراحت دارد و هم اراده ما قوی است و دنبال خواهیم کرد. نکته دوم مردم هستند و اصلی‌ترین عامل تأثیرگذار برای بازآفرینی شهری، مردم ساکن در آن منطقه هستند که باید مشارکت کنند. اگر خودشان زمین داشته باشند ما تسهیلات می‌دهیم که شروع به نوسازی کنند. اگر نمی‌خواهند با توسعه‌گر قرارداد ببندند، شرکت بازآفرینی شهری ما هم نظر تاریخی می‌کند که حقوقشان خوب رعایت شود. نکته سوم اینکه اگر علاقه‌مند نیستند می‌توان برایشان خانه‌ای اجاره کرد که در جایی مستقر نشوند تا واحدهایشان ساخته شود. اینها همه در آیین‌نامه و قانون پیش‌بینی شده است.

❧ به تجمع کامیون‌داران در سال گذشته بپردازیم و رازنی‌هایی که برای حل مشکلات از طرف وزارتخانه به صورت جدی پیگیری می‌شد. کماکان در بخش‌هایی از کشور با این تجمعات مواجه هستیم. قرار است در این وضعیت چه‌کار کنیم؟

پشت این قضیه دو موضوع وجود دارد؛ اول مشکلاتی است که حقیقتاً کامیون‌داران داشتند و در گذشته از آن غفلت شده بود که باید برطرف شود. آنچه انجام شده، می‌گویسم الحمدلله و آنچه باقی مانده تکلیف ماست که باید انجام دهیم و تردیدی نداریم که باید انجام دهیم. نکته دوم، تلاش‌های ضدانقلاب است؛ این‌س اصحاب خبیث، هر لحظه و ساعت به دنبال آن هستند که مشکلاتی برای جامعه ایجاد کنند و برایشان خیلی مهم بود که بتوانند حمل‌ونقل کشور را فلج کنند و اکنون هم به دنبال این هستند که فتنه کنند و جاهایی حرکت‌های ایضایی انجام می‌دهند. ناکام مانده‌اند و خواهند ماند. لاستیک مونوپل چند نفر شده بود که لاستیک‌های با کیفیت پایین می‌آوردند و با قیمت بالا می‌فروختند و گاهی هم توزیع نمی‌کردند. الحمدلله این انحصار شکسته شده که انحصار عاملی بود برای ایجاد نارضایتی. به هر صورت موانعی وجود داشت که برطرف شده. اکنون هم از جاهای مختلف لاستیک وارد کشور می‌شود.

❧ آنجا وارد می‌شود؟

از همه‌جا. نکته مهم این است که دولت، لاستیک و مواد اولیه کارخانه‌های داخلی تولید لاستیک را با دلار چهارهزارو ۲۰۰ تومان مثل غذا و دارو تأمین کرده است. مردم باید بدانند لاستیکی که می‌تواند ۱۵۰ هزار کیلومتر زیر کامیون کار کند، قیمتش ۲۰۰ دلار است و ما آن را با دلار چهارهزارو ۲۰۰ تومانی محاسبه می‌کنیم. باید کسی که گران‌فروشی می‌کند به مردم معرفی شود و بجای ذی‌ربط با آن برخورد کنند. البته باید هزینه‌های سود و حق‌الزحمه اضافه شود، اما نباید لاستیکی بیایرد که بیشتر از ۱۳۰ دلار قیمت ندارد و ۶۰ هزار کیلومتر بیشتر کار نمی‌کند. با این موارد برخورد می‌کنیم.

❧ برای توسعه زیرساخت‌های جاده‌ای و آزادراه تهران- شمال چه کرده‌اید؟

متأسفانه آزادراه تهران- شمال می‌توانست خیلی متفاوت باشد. نحوه اجرا و شرایطی که برایش در نظر گرفته شد، نادرست بود. ما وارث این وضعیت هستیم و مهم‌ترین کاری که انجام می‌دهیم این است که کمک کنیم هیچ مانعی سر‌راهش نباشد که طبق استاندارد به سرانجام برسد. قول داده‌اند تا آخر بهار قطعه اول جاده را تمام کنند. امتداد اتوبان همت که یکی از پروژه‌های پراولویت است، به‌علاوه قطعه اول آزادراه تهران- شمال را دنبال می‌کنیم. فعالیت قطعه دوم هم خوب است. در مورد قطعه سوم هنوز تصمیم‌گیری برای پیمانکاری صورت نگرفته

و در دست اقدام است. قطعه چهار هم در دست بهره‌برداری است. یک سری اقدامات را برای رفع مشکلات مردم باید انجام دهیم، به‌ویژه مردم عزیز جاده چالوس که حدفاصل مرزن‌آباد تا دزدبن زندگی می‌کنند. وقتی جاده یک‌طرفه می‌شود،

آخر هفته زندگی‌شان فلج می‌شود و خیلی آسیب دیده‌اند. پروژه‌ای ضربتی به طول ۱۵ کیلومتر شروع کرده‌ایم که این قطعه را بتوانیم چهارخطه کنیم که انسداد جاده برای یک‌طرفه‌شدن بعد از این روستاها باشد که مردم کمتر آسیب ببینند. پیمانکار خوبی کار را شروع کرده و امیدواریم این کار بزرگ را بتوانیم تا پایان تابستان به سرانجام برسانیم. قرارداد ۱۸ ماهه است و می‌خواهم سریع‌تر کار تمام شود.